

دکتر رابرت ای. پترسون، رستگاری، جلسه ۱۶، تقدیس، بخش ۲، بررسی تاریخی

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

این دکتر رابرت پترسون در حال تدریس در مورد نجات است. این جلسه ۱۶، تقدیس، بخش ۲، بررسی تاریخی است.

بیاپید با هم دعا کنیم، پدر مهربان

ما از تو به خاطر فیضت سپاسگزاریم، فیضی که ما را نجات می‌دهد، ما را حفظ می‌کند، به ما عطا می‌کند و ما را به سلامت به خانه بازمی‌گرداند. ما را برکت ده تا از مردان و زنان خداترس در مورد زندگی مسیحی بیاموزیم. ما را در راه رفتن با تو تشویق کن؛ ما از طریق عیسی مسیح، پروردگاران، دعا می‌کنیم. آمین.

به عنوان یک بررسی تاریخی، قبل از اینکه به فرمول‌های کتاب مقدس و فرمول‌های سیستماتیک در مورد تقدیس برسیم، به پنج دیدگاه مختلف در مورد زندگی مسیحی نگاه می‌کنیم. در ابتدا گفتیم که آنها بیشتر از اینکه مشترک باشند، مشترک هستند و بنابراین، به نوعی، به طور ناعادلانه‌ای بر تفاوت‌های آنها تأکید می‌کنیم، اما با این وجود، آنها تفاوت‌های واقعی هستند.

ما به دیدگاه‌های لوتری و وسلی و اکنون به دیدگاه کسویک نگاهی انداخته‌ایم. کنوانسیون سالانه کسویک از سال ۱۸۷۵ در کسویک، شمال انگلستان، برگزار می‌شود. از دل این کنفرانس‌ها، دیدگاه خاصی در مورد تقدیس پدید آمد که به عنوان الهیات کسویک یا جنبش زندگی والتر شناخته می‌شود و بسیاری را تحت تأثیر قرار داده است.

این الهیات بر زندگی پیروزمندانه مسیحی از طریق قدرت روح القدس تأکید دارد. معلمان وسلیایی بر کنفرانس‌های اولیه تأثیر گذاشتند، از جمله خود جان وسلی، جان ویلیام فلچر و آدام کلارک، وسلیایی‌ها در طول سال‌ها، بسیاری از رهبران مسیحی در کسویک سخنرانی کرده‌اند.

در میان آنها می‌توان به مبلغان مذهبی هادسون تیلور و ایمی کارمایکل، نویسنده مذهبی اسوالد چمبرز و مبلغ مذهبی بیلی گراهام اشاره کرد. در سال ۲۰۰۵، استیون باراباس منبع اصلی تاریخ و الهیات این جنبش رستگاری بزرگ «را نوشت. این کتاب با عنوان فرعی «تاریخ و پیام کنوانسیون کسویک» نام دارد».

پیش از اشاره به وجه تمایز الهیات کسویک، که برخی از آنها بحث‌برانگیز هستند، خاطرنشان می‌کنیم که این الهیات بسیاری از تأکیدات رایج انجیلی در مورد زندگی مسیحی را به اشتراک می‌گذارد. این الهیات بر خداوندی، و تقدس شخصی مسیح تأکید می‌کند و شور و شوق برای مأموریت‌های مذهبی را ترویج می‌دهد. این الهیات کار تمام‌شده مسیح و توجیه از طریق ایمان را به عنوان پایه و اساس تقدیس می‌ستاید.

این به درستی تعلیم می‌دهد که نه تنها توجیه، بلکه تقدیس نیز باید با ایمان به مسیح زیسته شود. این به ما می‌آموزد که برای زندگی مقدس و عاشقانه، به قدرت روح القدس تکیه کنیم. طبق الهیات کسویک، زندگی مسیحی شامل دو بحران کلیدی است: توجیه و تقدیس.

و اینها معمولاً در زمان‌های مختلف اتفاق می‌افتند. همانطور که اصلاح‌طلبان تعلیم می‌دادند، توجیه از طریق فیض و ایمان به مسیح است. تقدیس رویدادی است که پس از توجیه رخ می‌دهد و آن نیز از طریق ایمان به مسیح است.

الهیات کسویک می‌آموزد که این مواجهه دوم با روح القدس، یعنی برکت دوم، برای یک زندگی مسیحی موفق ضروری است. برکت دوم، مؤمنان به مسیح را قادر می‌سازد تا در تقدس و امور عمیق‌تر الهی پیشرفت کنند. مسیحیان از طریق تسلیم و ایمان، از توجیه به تقدیس، یعنی برکت دوم، حرکت می‌کنند.

در واقع، تلاش سخت برای زندگی مسیحی بی‌ثمر است. برای تکرار یک شعار معروف، مؤمنان موجه باید نقل قول کنند، رها کنند و به خدا بسپارند، نقل قول نزدیک، تا از یک زندگی مسیحی پیرومند لذت ببرند. آنها باید تلاش‌های خود را برای تقدیس رها کنند و بگذارند خدا، به وسیله روح، این کار را از طریق آنها انجام دهد.

برای بسیاری، این شبیه سکوت‌گرایی به نظر می‌رسد، دیدگاهی که کلید معنویت را عدم فعالیت و انفعال انسان می‌داند. منتقدان ادعا می‌کنند که آموزه‌های کسویک، مؤمنان را از نبرد با گناه و در عوض اعتماد به روح برای مقابله با آن باز می‌دارد. الهیات کسویک معتقد است که ما، همانطور که گفتیم، از طریق ایمان، توجیه و تقدیس را دریافت می‌کنیم.

بنابراین، ما با درخواست از خدا، تقدس را دریافت می‌کنیم. اگرچه مسیحیان هنگام ایمان آوردن، روح القدس را دریافت می‌کنند، اما باید به نقطه بحرانی تصمیم برسند و با ایمان، به روح القدس اعتماد کنند تا وارد زندگی والا تر تقدس شوند. عادل شمردگی به معنای پذیرش مسیح به عنوان نجات دهنده است.

دومین کار تقدیس به معنای پذیرش او به عنوان خداوند است. اگرچه این امر منجر به کمال بی‌گناه در این زندگی نمی‌شود، که فقط در زندگی بعدی رخ خواهد داد، اما باید به موفقیت مداوم در غلبه بر گناه در زندگی مسیحی منجر شود. جی. رابرتسون مک کوئیلکن، که دیدگاه کسویک در مورد تقدیس، خطاها، نقل قول مسیحیان معمولی را با بی‌ایمانی و اغلب با عدم غلبه بر گناه و اطاعت از مسیح مانند غیرمؤمنان عمل کردن، ترویج می‌دهد.

پادزهر او برای آنها، مسیحی عادی است، داخل گیومه، یعنی کسی که درک کسویک از تقدیس را زندگی می‌کند. من از جی. رابرتسون مک کوئیلکن نقل قول می‌کنم، که به خاطر رهبری‌اش در کالج و مدرسه علمیه کتاب مقدس کلمبیا مشهور است و به خاطر ترک آن شغل برای مراقبت تمام وقت از همسرش، زمانی که او به زوال عقل شدید مبتلا شد و قادر به مراقبت از خودش نبود، مشهور است. مردم می‌گفتند، تو احمق! تو این موقعیت معتبر را داری و به خیلی‌ها کمک می‌کنی.

و او گفت، به لطف خدا شوهر وفاداری خواهم بود و به خداوند توکل می‌کنم که هزینه مدرسه را تأمین کند، که او هم همین کار را کرد. بنابراین، زندگی ستودنی است، شکی نیست. مرد باخدا

و آن مدرسه به خاطر اعزام مبلغان مذهبی مشهور بوده است. اما این به آن معنا نیست که الهیات کسویک کاملاً درست است. به نقل از جی. رابرتسون مک کوئیلکن، یک مسیحی معمولی، با پاسخ‌های محبت‌آمیز به ناسپاسی و بی‌تفاوتی، حتی خصومت، مشخص می‌شود و در بحبوحه شرایط ناخوشایند، سرشار از شادی و وقتی همه چیز اشتباه پیش می‌رود، سرشار از آرامش است.

یک مسیحی عادی در نبرد با وسوسه پیروز می‌شود، پیوسته از قوانین خدا اطاعت می‌کند و در خویش‌نهادی قناعت، فروتنی و شجاعت رشد می‌کند. فرآیندهای فکری تحت کنترل روح القدس هستند و کتاب مقدس دستور می‌دهد که یک مسیحی عادی به طور اصیل نگرش‌ها و رفتار عیسی مسیح را منعکس کند. خدا در زندگی او جایگاه اول را دارد و رفاه دیگران بر خواسته‌های شخصی مقدم است.

یک مسیحی عادی نه تنها برای زندگی خداپسندانه، بلکه برای خدمت مؤثر در کلیسا نیز قدرت دارد. بالاتر از همه، او از شادی همراهی مداوم با خداوند برخوردار است. این برگرفته از کتاب «پنج دیدگاه در باب تقدیس»، انتشارات زوندروان، ۱۹۹۶ است.

بدیهی است که یکی از این پنج دیدگاه، الهیات کسویک، صفحه ۱۵۱ است. من قصد دارم این دیدگاه‌ها را پس از بررسی دیدگاه‌های پنطیکاستی و اصلاح‌شده ارزیابی کنم. دیدگاه پنطیکاستی از زندگی مسیحی

ریشه‌های پنطیکاستی به دهه‌های اول قرن بیستم و دوران خدمت چارلز پرهام در توپیکا، کانزاس و ویلیام سیمور در خیابان آزوسا در لس‌آنجلس، کالیفرنیا برمی‌گردد. برای درک پنطیکاستی، باید با سه موج روح‌القدس که به اصطلاح پنطیکاستی نامیده می‌شوند، آشنا شویم. موج اول، پنطیکاستی کلاسیک است که در بالا توضیح داده شد و منجر به فرقه‌های جدیدی مانند مجامع الهی شد.

موج دوم، جنبش کاریزماتیک دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ است که بر کلیساهای پروتستان اصلی و کلیسای کاتولیک روم تأثیر گذاشت. این موج به دلیل تأکید بر کاریزما یا هدایای معجزه‌آسای روح‌القدس، نام خود را گرفت. موج سوم در دهه ۱۹۸۰ آغاز شد و با نشانه‌ها و عجایبی که با بشارت قدرت همراه بود، مشخص می‌شد.

موج اول، پنطیکاستی به معنای واقعی کلمه، مجامع الهی. موج دوم، جنبش کاریزماتیک دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی بود. موج سوم، نشانه‌ها و عجایب، مدرسه علمیه فولر، بشارت قدرت

بایرون دی. کلاوس، یکی از رهبران محترم پنطیکاستی در انجمن‌های خدا، پنج مضمون از ویژگی‌های پنطیکاستی کلاسیک را به اشتراک می‌گذارد. نوشته‌ی او در کتابی که من به همراه دو برادر دیگر، تونی شوت و کریس مورگان، با عنوان «چرا ما تعلق داریم، وحدت انجیلی و تنوع فرقه‌ای» ویرایش کردیم، آمده است. در این کتاب، برادرانی از شش سنت، اولاً، به این موضوع پرداخته‌اند که چرا مسیحی انجیلی بودن برایشان مهم‌تر از فرقه‌ی خودشان است. ثانیاً، لوتری، مسیحی اصلاح‌شده، باپتیست، پنطیکاستی، متدیست یا انگلیکن بودن برایشان چه معنایی دارد، ژنرال بری

از خداوند به خاطر یادآوری این موضوع سپاسگزارم. این غیرمعمول است. به هر حال، بایرون دی. کلاوس که در آن زمان رئیس مدرسه علمیه مجامع الهی در کانزاس سیتی، کانزاس بود، دیدگاه پنطیکاستی از زندگی مسیحی را نوشت.

پنج مضمون اصلی او عبارتند از: عادل‌شمردگی، بخشش گناهان توسط خدا، تقدیس، آزادی از قدرت گناه شفا‌ی الهی، ظهور مجدد مسیح و تعمید روح‌القدس. اکثر مردم مورد آخر را وجه تمایز الهیات پنطیکاستی می‌دانند.

از آنجا که این به عنوان یک برکت دوم پس از نجات در نظر گرفته می‌شود، شباهت‌هایی با الهیات برکت دوم وسلی در مورد تقدیس کامل وجود دارد. با این حال، آموزه‌های وسلی مربوط به کمال مسیحی است، در حالی که آموزه برکت دوم پنطیکاستی مربوط به حضور قدرتمند خدا در زندگی مسیحیان است. اگرچه پنطیکاستی‌های تقدس به یک رستگاری‌شناسی سه مرحله‌ای پایبند هستند، که من آن را هر دو، توجیه پروتستان‌های اصلاح‌طلب به واسطه فیض از طریق ایمان، برکت دوم پنطیکاستی و برکت دوم وسلی می‌نامم که هر دو پس از توجیه قرار می‌گیرند، ما بر پنطیکاستی کلاسیک تمرکز خواهیم کرد که تقدیس کامل وسلی را به تعمید روح اضافه نمی‌کند.

دیدگاه کلاسیک پنطیکاستی در مورد زندگی مسیحی معتقد است که تعمید روح القدس با نجات اولیه که به عنوان عادل شمردگی یا تجدید حیات تلقی می‌شود، متمایز است. تعمید در روح به معنای دریافت قدرت روح برای زندگی و خدمت مسیحی موفق است. لازم به ذکر است که پنطیکاستی‌های کلاسیک افرادی را که به عیسی ایمان آورده‌اند، در صورتی که تعمید روح القدس را دریافت نکرده باشند، مسیحی می‌دانند.

این شما را مسیحی نمی‌کند، بلکه شما را مسیحی قدرتمند می‌کند. این شما را مسیحی ای می‌کند که از قدرت خدا بهره می‌برد. تولد دوباره برای رستگاری ضروری است.

تعمید روح برای رستگاری ضروری نیست. به این می‌گویند یگانگی. پنطیکاستی این را تعلیم می‌دهد، و این انجیل دیگری است. اما مجامع الهی در پنطیکاستی کلاسیک نمی‌گویند که شما باید توسط روح القدس تعمید بگیرید، همانطور که با صحبت کردن به زبان‌ها، به عنوان راهی برای نجات یافتن، مشهود است.

نه. آنها می‌گویند غسل تعمید روح نه برای رستگاری، بلکه برای زندگی و خدمت حیاتی مسیحی ضروری است. نکته کلیدی دیگر این است که پنطیکاستی کلاسیک اصرار دارد که برکت دوم باید با تکلم به زبان‌ها، گوسولالیا، به عنوان گواهی بر غسل تعمید روح همراه باشد.

دیدگاه پنطیکاستی‌ها در مورد غسل تعمید روح پس از گرویدن به مسیحیت نشان می‌دهد که آنها به تداوم گرایی عطایای معنوی اعتقاد دارند، برخلاف پایان‌گرایی که معتقد است عطایای امضا شده با نگرش عهد جدید توسط رسولان متوقف شده‌اند. گرگ آلیسون، در کتاب الهیات تاریخی خود، و همچنین به صورت آنلاین، در مقاله‌ای در وبسایت ائتلاف انجیل، در مورد تداوم گرایی می‌نویسد، نقل قول، این موضع معتقد است که روح القدس همچنان تمام عطایای معنوی ذکر شده در عهد جدید به عنوان کاریزماتا را به کلیسا می‌دهد، از جمله عطایای به اصطلاح نشانه یا معجزه‌آسا، کلام دانش، کلام حکمت، نبوت، معجزات، شفا، تکلم به زبان‌ها و تفسیر زبان‌ها. برخی شامل می‌شود، نه همه، اما برخی شامل جن‌گیری می‌شوند.

بایرون کوس، نماینده پنطیکاستی ما و مردی خداترس، ما را از جهان‌بینی و زندگی پنطیکاستی آگاه می‌کند و من نقل قول می‌کنم، به پرسش علیت که برای ساخت جهان‌بینی حیاتی است، ابتکار الهی نه تنها یک مقوله ایده‌آل، بلکه یک واقعیت قدرتمند برای پنطیکاستی است. دوگانگی مقدس-سکولار که مظهر مدرنیته است رد می‌شود و با تأیید دسترسی فوری به قدرت و حضور خدا جایگزین می‌شود. ما جهان را از طریق یک ساختار واقعیت می‌بینیم که در آن خدا در دسترس است و شواهد روشنی از حضور قدرتمند خود را از طریق کلیسای خود ارائه می‌دهد.

نقل قول نزدیک. آموزه پنطیکاستی تعمید روح برای قدرت و خدمت با تأکید بر ظهور مجدد مسیح ترکیب می‌شود تا انگیزه‌ای قدرتمند برای مأموریت‌های جهانی ایجاد کند. در نتیجه، امروزه، مسیحیان پنطیکاستی و کاریزماتیک دومین گروه بزرگ مسیحیان کاتولیک رومی و بزرگترین گروه پروتستان‌ها در جهان را تشکیل می‌دهند.

نقل قول: تا سال ۲۰۲۰، در سطح جهان، ۶۴۴ میلیون مسیحی در جنبش قدرت‌یافته با روح، که به معنای پنطیکاستی‌ها و کاریزماتیک‌ها است، وجود داشتند که ۲۶٪ از کل مسیحیان جهان را تشکیل می‌دهند. در www.gordonconwell.edu/Research/global/Pentecostalism واقع، این از وبسایت گرفته شده است که در آوریل ۲۰۲۲ دسترسی پیدا کرده است. دیدگاه‌های لوتری، وسلی، کسویک و پنطیکاستی از زندگی مسیحی.

دیدگاه اصلاح‌شده از زندگی مسیحی. اصلاحات قرن شانزدهم، احیای کتاب مقدس در مورد انجیل، آموزه‌ها، عبادت و سرودخوانی، کلیسا، موعظه و آیین‌های مقدس، ترجمه کتاب مقدس و زندگی مسیحی را برانگیخت. اصلاح‌طلبان در پی به‌کارگیری کتاب مقدس در تمام این زمینه‌ها بودند.

شاخه اصلاح‌شده‌ی جنبش اصلاحات، نسبت به شاخه‌های لوتری و انگلیکان، تغییرات بیشتری در آموزه‌ها و زندگی کلیسا ایجاد کرده است. شاید منصفانه بگویم، اما نه به اندازه‌ی جنبش آناپتیست. مانند سایر دیدگاه‌های تقدیس که پیش از این به آنها پرداخته شد، جان کالوین و وارثان الهیاتی او به دیدگاه کتاب مقدسی عادل‌شمردگی پایبند بودند.

توجیه خدای پدر، همه کسانی را که به مسیح به عنوان جان‌نشین اعتماد می‌کنند، عادل اعلام می‌کند، زمانی که عدالت مسیح را به آنها نسبت می‌دهد و آنها را به عنوان پسران یا دختران خود می‌پذیرد. دیدگاه اصلاح‌شده در مورد تقدیس، اشتراکات زیادی با چهار دیدگاه قبلی دارد.

این دیدگاه، دیدگاه والایی نسبت به کتاب مقدس دارد و پیوسته آموزه تثلیث، گناه، مسیح و کفاره او رستگاری، روح القدس، کلیسا و امور آخرالزمان را آموزش می‌دهد. این دیدگاه، آموزه لوتر در مورد مسیحیان به عنوان «شبهه و تصویرگر» را می‌پذیرد، که در عین حال در نظر خدا توجیه شده، عادل و در عین حال در زندگی خود، اغلب گناهکار هستند. او تمایز لوتری بین شریعت و انجیل را تصدیق می‌کند، اما آن را، مانند خود و وارثانش، به عنوان کلید تفسیر کتاب مقدس نمی‌داند.

در عوض، این دیدگاه، خط داستانی کتاب مقدس در مورد خلقت، هبوط، رستگاری و کمال را دنبال می‌کند و وحدت اولیه رستگاری شناختی بین عهدین را در عهد جدید ابراهیمی می‌بیند. دیدگاه اصلاح‌شده، راه خود را از دیدگاه‌های برکت دوم و سلولی و پنطیکاستی جدا می‌کند. این دیدگاه، کمال مسیحی و سلولی را رد می‌کند و در عوض، به تقدیس مادام‌العمر و تدریجی پایبند است.

همچنین دیدگاه پنطیکاستی در مورد غسل تعمید روح پس از گرویدن را رد می‌کند. در عوض، معتقد است که در هنگام گرویدن، همه مؤمنان توسط روح در بدن مسیح در کلیسا تعمید می‌یابند. این دیدگاه تأکید کسویک بر تکیه بر قدرت خدا برای تقدیس را ارجح می‌نهد، اما مفهوم رها کردن آن را رد می‌کند.

در عوض، به آیاتی از کتاب مقدس اشاره می‌کند که مؤمنان را ترغیب می‌کند تا انرژی زیادی را برای مبارزه با گناه و زندگی برای خدا صرف کنند. رومیان ۸:۱۳، زیرا اگر طبق نفس زندگی کنید، خواهید مرد. اما اگر به وسیله روح، اعمال بدن را بکشید، خواهید زیست.

فیلیپیان ۳:۱۲، پولس می‌گوید که در زندگی مسیحی تلاش می‌کند. نه اینکه من قبلاً به این [موفقیت] رسیده‌ام یا کامل شده‌ام. او هنوز به رستخیز مردگان نرسیده است، همانطور که در آیه قبلی آمده است.

اما من برای اینکه آن را از آن خود کنم، پافشاری می‌کنم، زیرا عیسی مسیح مرا از آن خود کرده است. و یکی از آیات مورد علاقه من در مورد زندگی مسیحی. کولسیان ۱:۲۹، آخرین آیه.

برای این، که هر انسانی را در مسیح عیسی کامل و بالغ معرفی می‌کنم. برای این، من زحمت می‌کشم. این kopiao، کلمه‌ی سنگینی است.

یعنی زحمت کشیدن، مشقت کشیدن، عرق ریختن در کار. برای این، من زحمت می‌کشم. با تمام انرژی خداوند که او با قدرت در درون من کار می‌کند، مبارزه می‌کنم.

من عاشقشم. ما سخت کار می‌کنیم. اما در عین حال، در حالی که سخت کار می‌کنیم، توکلیمان به خداست.

ما حتی باید از کار سخت خود استفاده کنیم و فراتر از توانایی خود کار کنیم. دکترین اصلاح‌شده‌ی تقدیس تقدیس قطعی یا اولیه، تقدیس تدریجی یا مادام‌العمر و تقدیس نهایی را از هم متمایز می‌کند. همانطور که به زودی و با رسیدن به فرمول‌بندی‌های سیستماتیک خواهیم دید.

یک بار برای همیشه، خداوند مردم را برای تقدیس قطعی، مقدسین قرار داد. خداوند آنها را در زمان بازگشت عیسی در تقدس کامل تأیید خواهد کرد. او با روح خود، آنها را در زمان حال به تقدیس تدریجی سوق می‌دهد.

این دغدغه اصلی ما هنگام صحبت در مورد آموزه زندگی مسیحی است. «تنها کتاب مقدس» برای دیدگاه اصلاح‌شده از زندگی مسیحی اساسی است. زیرا کالوین روزانه از متون عبری و یونانی کتاب مقدس سخنرانی می‌کرد.

سولا گراتیا «چیزی بیش از یک شعار مبتنی بر دو کلمه آخر کتاب» نهادهای «کالوین است»: تمام جلال» تنها از آن خداست. «بلکه هدف نهایی الهیات و اخلاق است. رستگاری‌شناسی اصلاح‌شده، تثلیث‌گرا است و بر نقش پدر در گزینش، نقش پسر در رستگاری با خون او و به کارگیری نجات توسط روح در اتحاد با مسیح تأکید دارد.

بدیهی است که من اصلاح شده‌ام، و این سخنرانی‌ها از ابتدا تا انتها این را نشان می‌دهند. و من، به خواست خدا، می‌خواهم که نسبت به سایر مؤمنان و تفاوت‌هایمان در مسیح، نگرش خوبی داشته باشم. وحدت کلیسا برای من مهم است، اما من بدون عذرخواهی اصلاح شده‌ام.

در واقع، اتحاد با مسیح، نبوغ دیدگاه اصلاح‌شده در مورد تقدیس است. اتحاد با مرگ و رستاخیز مسیح مستلزم رنج کشیدن با او در حال حاضر و جلال با او در آینده است. نقش روح در اتحاد ما با مسیح به این معنی است که مؤمنان واقعاً در مسیح جدید هستند.

اما همانطور که آنتونی هوکما در کتاب‌هایش، از جمله «نجات یافته به لطف الهی»، که کتابی در مورد کاربرد رستگاری است، به من آموخت، ما واقعاً در مسیح جدید هستیم، اما کاملاً جدید نیستیم. واقعاً جدید اما نه کاملاً جدید. این کلمات به بسیاری از افراد در مدرسه یکشنبه کمک کرده است، وقتی که من را در حال تدریس از بخشی از کتاب مقدس که خداوند تقدس را خواستار است، می‌شنوند و می‌گویند، بله، اما من اینطور زندگی نمی‌کنم.

نه همیشه، نه همیشه. و من می‌گویم که باید بین یک عکس فوری و یک فیلم سینمایی تمایز قائل شد. اگر عکس‌های فوری از برخی از بزرگترین قهرمانان زن و مرد کتاب مقدس بگیریم، داوود مردی است که مطابق میل خداست، که به نظر من به معنای مردی است که خدا را عمیقاً دوست دارد.

دو تصویر. این یکی زنای محصنه. این یکی قتل نیابتی.

یا پطرس، رهبر بزرگ کلیسای اولیه. مردی با استعدادهای فوق‌العاده که خدا باید او را با روح القدس خود رام می‌کرد. این پطرس است.

سه عکس فوری. ناگهان، ناگهان، ناگهان. انکار عیسی.

اما اگر زندگی داوود را به صورت تصویری ببینیم، در واقع، با وجود گناهان وحشتناکش، او خداوند را دوست داشت و در جستجوی خداوند بود و برای خداوند زندگی می‌کرد، که این امر در تضاد آشکار با زندگی شائول و نیت جنایتکارانه‌اش نسبت به داوود است. بیش از یک بار، خداوند شائول را به دست داوود سپرد و او از لمس مسیح خداوند امتناع ورزید. به همین ترتیب، من معتقدم که خداوند داوود و شائول را با هم به ما داد.

شاید بتوانی برخی از این تضادها را درک کنی. حتی مؤمنان فداکار هم می‌توانند گناهان وحشتناکی مرتکب شوند، دیوید. و کسانی که دارای عطایا، توانایی‌ها و موقعیت‌های عالی هستند، گاهی اوقات حتی ممکن است نجات پیدا نکنند.

من با دو متخصص مطلق و محقق جهانی روی کتاب‌های سموئیل کار کردم. هر دو به این نتیجه رسیدند که شائول، اگرچه از طرف خدا موهبت یافته بود، اگرچه روح بر او نازل شد و او نبوت کرد، اما این چیزی بسیار استثنایی بود. و مردم می‌گفتند، چه؟ آیا شائول هم جزو پیامبران است؟ زیرا ظاهراً او هرگز از نو زاده نشد.

به همین ترتیب، پطرس، با آن سه عکس، فیلمش پس از پنطیکاست، یک قهرمان برای مسیح را نشان می‌دهد. و در پنطیکاست، او واعظ اصلی است. اما خدا یهودا را در کنار پطرس قرار می‌دهد.

زندگی پطرس، همانطور که داوود ما را تشویق می‌کند، زندگی پطرس را به شیوه‌ای خنده‌دار به ما نشان می‌دهد. حتی مسیحیان بزرگ هم می‌توانند کارهای احمقانه، نابخردانه، و گناهان احمقانه انجام دهند. و باز هم، به نظر من یهودا شبیه شائول است.

با استعداد، یازده شاگرد دیگر را فریب داد. داری شوخی می‌کنی؟ آنها دو به دو بیرون رفتند. و بعد ما خواندیم، اوه نه، من با یهودا هستم، این کار جواب نمی‌دهد.

ما هرگز چنین چیزی نمی‌خوانیم. اما در یوحنا ۱۲ می‌خوانیم که او واقعاً نگران فقرا نبود و با هدر دادن عطر روی پاهای عیسی مخالفت می‌کرد. بلکه به عنوان نگهبان کیسه پول، از آن دزدی می‌کرد.

فعل ناقص، نشان دادن الگویی از زندگی. پطرس می‌گوید، به ما نشان می‌دهد که افراد خداترس گاهی اوقات به طرق بزرگی مرتکب اشتباه می‌شوند. یهودا به ما نشان می‌دهد که چیزی به نام ارتداد وجود دارد.

ارتداد، رویگردانی از ایمانی است که زمانی به آن اعتراف شده است. و خدا می‌تواند مردم را بازگرداند، اما در مورد یهودا، این کار را نکرد. و یهودا به نظر من کسی است که امتیاز بزرگی دارد.

خدای من، او توسط عیسی به عنوان رسول برگزیده شد. او به پنج هزار نفر غذا داد و نان و ماهی را پس از غذا دادن جمع‌آوری کرد. او موعظه را بر فراز کوه، بارها و بارها شنید.

و با این حال، من فکر می‌کنم او هرگز واقعاً نجات نیافت، همانطور که از خیانت او به اربابش مشخص بود. ما واقعاً جدید هستیم و کاملاً جدید نیستیم. این تنها زمانی اتفاق می‌افتد که مسیح بازگردد.

در عین حال، اتحاد با مسیح، زندگی مسیحی را هدایت می‌کند. ما با پسر خدا در برابر قدرت گناه مردیم. و با او در تازگی حیات قیام کردیم، رومیان ۶. مطابق با داستان کتاب مقدس، دیدگاه اصلاح‌شده در مورد تقدیس، بر تطبیق ایمانداران خدا با تصویر مسیح به عنوان احیای تدریجی تصویر خدا، تصویر خدا که در سقوط آسیب دیده بود، تمرکز دارد.

خداوند وقتی برای قوم خود بازگردد، مسیحیان را به تصویر مسیح کامل خواهد کرد. اکنون، آنها به واسطه روح، در استفاده از ابزارهای فیض خدا که به کلیسا داده شده است، از مسیح تقلید می‌کنند. موعظه کلام، اجرای مقدسات، غسل تعمید در شام خداوند و دعا.

البته در ارزیابی دیدگاه‌ها، من جانبدارانه عمل می‌کنم. اما اگر خدا بخواهد، من هم همینطور هستم؛ قصد من این است که یک مسیحی انجیلی تمام‌عیار باشم. بنابراین، کسانی را که به دیدگاه‌های دیگر معتقدند، محکوم نمی‌کنم.

و در واقع، من در همه آنها نقاط قوتی می‌بینم. اولین نکته‌ای که باید در پایان بگویم، همان چیزی است که در ابتدا گفتیم. این پنج دیدگاه در مورد تقدیس، مهم‌ترین وجوه مشترک را دارند.

این نکته‌ی مهمی است، زیرا بدون آن، مقایسه‌ی دیدگاه‌های مختلف درباره‌ی زندگی مسیحی، با تأکید بیش از حد بر تفاوت‌هایشان، منجر به تحریف می‌شود. آنها اختلافاتی دارند. اما آنها ایمانداران به مسیح هستند که باید یکدیگر را در خداوند بپذیرند.

آنها حتی در مورد اختلافاتشان با هم صحبت می‌کنند، زیرا اگر این کار را انجام دهند، متوجه می‌شوند که زمینه‌های مشترک زیادی دارند. بنابراین، ما خوشحالیم که پنج دیدگاه در مورد زندگی مسیحی که مورد بحث قرار گرفته‌اند، در آموزه‌های خود در مورد خدا، گناه، رستگاری، روح القدس، کلیسا و آخرت، راست‌گیشانه هستند. گفتن این حرف به معنای کوچک جلوه دادن اختلافات بین دیدگاه‌ها نیست.

این، برای شروع، با اعتراف مشترک آنها به حقایق ایمان انجیلی است. با این وجود، بین پنج دیدگاه در مورد زندگی مسیحی تفاوت‌هایی وجود دارد. و این تفاوت‌ها اساسی هستند.

اگرچه همه انجیلی‌ها به خاطر کشف مجدد انجیل مدیون لوتر هستند، اما تردید او در تأیید کافی تقدیس که در ابتدای این بخش به آن اشاره، ETS، تدریجی در افکار الهیاتی‌اش همچنان زنده است. در همان کنفرانس کردم، از متکلم مشهور لوتری، دیوید پی. اسکایر، شنیدم که می‌گفت، نقل قول، هیچ پیشرفتی در زندگی مسیحی وجود ندارد، علامت تعجب، نقل قول نزدیک. ما با احترام مخالفیم.

و به دوم قرن‌تین ۱۸:۳، افسسیان ۴:۱۵، ۲۴-۴:۲۰، کولسیان ۱:۹-۱۰، اول تیموتائوس ۴:۱۲-۱۵، عبرانیان اول پطرس ۲:۲، دوم پطرس ۵:۱-۸، اول یوحنا ۳:۲-۶، اول یوحنا ۴:۳-۶، اول یوحنا ۱۴:۱-۱۸ اشاره، ۶:۱، کنید. من دوباره این کار را برای کسانی که یادداشت‌برداری می‌کنند انجام می‌دهم. دوم قرن‌تین ۱۸:۳ افسسیان ۴:۱۵، و آیات ۲۴-۲۰. کولسیان ۱:۹-۱۰، اول تیموتائوس ۴:۱۲-۱۵، عبرانیان ۶:۱. نویسنده «می‌گوید»: بیایید از چیزهای ابتدایی عبور کنیم و رشد کنیم

اول پطرس ۲:۲، دوم پطرس ۵:۱-۸، اول یوحنا ۳:۲-۶، اول یوحنا ۴:۳-۶، اول یوحنا ۱۴:۱-۱۸. ما با لوتر و کالوین در مورد اهمیت آموزه‌ی توجیه رایگان موافقیم. ما به همراه برادران و خواهران لوتری خود، تمایز انجیل شریعت، به ویژه در پولس را تصدیق می‌کنیم. اما ما آن را به عنوان کلید تفسیر کتاب مقدس مانند لوتری‌ها نمی‌دانیم.

ما همچنین با توصیف لوتر از یک مسیحی به عنوان کسی که همزمان در مسیح عادل و در عمل گناهکار است، موافقیم، که اغلب اتفاق می‌افتد. اما این را برای توصیف کلیت زندگی مسیحی ناکافی می‌دانیم. به همین دلیل، زندگی شامل رشد نیز می‌شود، به نقل از فیض و دانش پروردگار و ناجی ما، عیسی مسیح.

دوم پطرس ۱۸:۳، و آیات ذکر شده در پاراگراف قبلی، خدا را شکر که دیگر آنها را نمی‌خوانم. ما به زندگی و خدمت جان وسلی احترام می‌گذاریم. قبلاً به کتابی به نام «چرا من یک آرمینی نیستم» اشاره کردم.

کار همکارم مایکل ویلیامز مطالعه زندگی و نوشته‌های آرمینیوس بود. کار من مطالعه زندگی و نوشته‌های وسلی بود. وای، من با این برادر رفاقت داشتم.

چه مرد خداترسی. چه شجاعتی برای انجیل. او، حرف من

جان وسلی انجیل را در هر جایی موعظه می‌کرد، و این در آن زمان رایج نبود. انجیل فقط باید در کلیسا موعظه می‌شد. او مخالف بود.

او آن را به مزارع برد. او آن را همه جا برد. در کتابی که درباره زندگی او نوشته شده، آمده است که او انجیل را در آشپزخانه، در اتاق نشیمن، همه جا، در مناطق دورافتاده، همه جا موعظه می‌کرد.

و او مرد ریزنقشی بود، هیکل کوچکی داشت و ممکن بود یک مرد بزرگ به او آسیب برساند. یک بار، او در یک انبار جلسه انجیل داشت، باشه؟ و مردم بیرون انبار او را اذیت می‌کردند. تهدیدش می‌کردند.

به لطف و رحمت خدا، او موفق شد یکی از مردانی را که به واسطه او به مسیح هدایت شده بود، دعوت کند و در پایان جلسه، آن مرد گفت: «تو در دردمس افتاده‌ای، مرد کوچک. آن گروه به تو آسیب جسمی خواهند رساند.»

و این مرد هیکلی داشت. گفت، ببین، روی شانه‌های من بلند شو. و وقتی این ماجرا تمام شد، آن در را باز می‌کنیم و من تا جایی که می‌توانم می‌دوم.

آنها این کار را کردند. او این کار را کرد. و مرد از ناحیه پاها مورد ضرب و شتم قرار گرفت.

اما وسلی نجات یافت. چه مرد خداترسی. به اعتراف خودش، ازدواج او الگو نبود.

و تا جایی که می‌توانست از خانه دور می‌ماند. او زمان بسیار بیشتری را با اسب‌هایش می‌گذراند تا با همسرش. به هر حال، با برادرش چارلز، نویسنده بزرگ هزاران سرود مذهبی، اکنون سرودهای ضد کالوینیستی زنده‌اش را نادیده می‌گیرم، که خوشبختانه فکر می‌کنم در هیچ کتاب سرود مذهبی وجود ندارد.

اما چه هدیه‌ای برای کلیسای مسیحی و چه کارهای خوبی که انجام دادند. و خدا از آنها برای احیای مسیحیت در انگلستان استفاده کرد، کشوری که به شدت به آن نیاز داشت. من احترام زیادی برای زندگی و خدمت جان وسلی قائلم.

من با بسیاری از ایده‌های او موافقم، از جمله اینکه تقدیس فرآیندی برخلاف سنت اکثریتی است که از او پیروی کردند، سنتی که تقدیس تدریجی را رد می‌کرد، و با شاگردش آدام کلارک شروع شد. اما ما در مورد تعالیم او در مورد کمال مسیحی یا تقدیس کامل دچار مشکل می‌شویم. ما به تقدیس کامل اعتقاد داریم.

اما همانطور که پولس می‌گوید، این اتفاق خواهد افتاد، نقل قول، در زمان آمدن خداوند ما عیسی مسیح. اول تسالونیکیان ۲۲:۵-۲۳. این چیزی است که ما آن را دعای آرزو می‌نامیم.

این زیرشاخه‌ای از ژانر نامه‌نگاری است. پولس این آرزو را برای آنها دارد و ابراز این آرزو، دعایی برای آنهاست. باشد که خدای صلح، خود شما را کاملاً تقدیس کند.

باشد که تمام روح، جان و بدن شما در هنگام آمدن خداوند ما عیسی مسیح بی‌عیب بماند. آیه بعدی، یعنی «اول تسالونیکیان ۵: ۲۳-۲۴، می‌گوید: «خدا امین است. او این کار را خواهد کرد»

وقتی عیسی دوباره بیاید، ما کاملاً تقدیس خواهیم شد. نه تا آن زمان. ما آرزوی وسلی، آرزوی وسلیمان برای تقدس را تحسین می‌کنیم و اعتراف می‌کنیم که اغلب از فرمان خداوند مبنی بر مقدس بودن، همانطور که من مقدس هستم، قاصر هستیم.

لاویان ۱۱: ۴۴-۴۵. اول پطرس ۱-۱۶ با نقل قول از آن. با این حال، ما انکار می‌کنیم که می‌توان در این زندگی به حالت تقدس کامل دست یافت، حتی با این تمایز دقیق وسلی که به معنای بی‌گناهی مطلق نیست، بلکه به معنای عدم نقض آگاهانه یک قانون شناخته شده به دلیل چنین عشقی به خدا، به دلیل عشق عظیم او به ما است.

کسویک در بیشتر زمینه‌ها از طرح کلی الهیات انجیلی پیروی می‌کند، به جز یک ویژگی متمایز آن، یعنی مواجهه دوم با روح القدس که زندگی مسیحی عمیق‌تری را ممکن می‌سازد. با احترامی که برای معلمان خداشناس قائلیم این آموزه برکت دوم را به عنوان آموزه‌ای غیرکتاب مقدسی رد می‌کنیم. کتاب مقدس به ما نمی‌آموزد که رها کنیم و به خدا بسپاریم.

این تعلیم می‌دهد که ما باید برای زندگی کردن برای او به فیض توانمندساز خدا تکیه کنیم. این با آموزه‌های کسویک هماهنگ است. اما ما را به سکوت و آرامش فرا نمی‌خواند، بلکه ما را به کنشگری در زندگی مسیحی فرا می‌خواند.

به سختی می‌توانیم الگوهای فعال‌تری برای زندگی مسیحی به جز سربازان، ورزشکاران و کشاورزان تصور کنیم، که دقیقاً همان حرفه‌هایی هستند که پولس در دوم پطرس ۲: ۴-۶ به آنها استناد می‌کند. سربازان، ورزشکاران، کشاورزان، دوم پطرس ۲: ۴-۶. آنها رها می‌کنند و خدا را رها می‌کنند؟ من اینطور فکر نمی‌کنم.

اگر مسیحی باشند، به خدا توکل می‌کنند، اما در سربازی، ورزش و کشاورزی بسیار سخت کار می‌کنند. آیا باغ دارید؟ می‌دانید چقدر کار لازم است؟ شما یک هفته به تعطیلات می‌روید، و این همه علف هرز از کجا آمده‌اند؟ ما زندگی و خدمت بسیاری از برادران و خواهران پنطیکاستی خود را در مسیح تحسین می‌کنیم. ما از گسترش انجیل توسط آنها در سراسر جهان شادمانیم.

با این حال، ما به دلیل درک خود از کتاب مقدس، مجبوریم آموزه دوم برکت آنها را نیز رد کنیم. ما جوانان پنطیکاستی را می‌شناسیم که در مورد خدمت فلج شده‌اند، زیرا آنها به زبان‌ها به عنوان مدرکی برای دریافت روح القدس صحبت نکرده بودند. و باز هم می‌گوییم، نه برای نجات.

این یک بدعت است. آنها چنین چیزی را آموزش نمی‌دهند. پنطیکاستی کلاسیک، همانطور که توسط مجامع الهی نشان داده شده است، به شما می‌آموزد که به زبان‌ها صحبت کنید، به عنوان مدرکی برای دریافت روح القدس، نه برای رستگاری، بلکه برای قدرت در زندگی مسیحی و خدمت.

به همین دلیل است که این مردان جوان، که برخی از آنها را ملاقات کرده‌ام، از نظر روحی احساس ناتوانی می‌کردند. یکی از آنها گفت که گمان می‌کنم برخی از دوستانم ممکن است تظاهر کرده باشند. من هرگز چنین کاری نمی‌کنم.

در عین حال، او یک خواجه روحانی بود. او احساس ناتوانی می کرد زیرا فکر می کرد که فاقد روح القدس نیست. او نجات یافت.

او دوباره متولد شده بود. او به عیسی ایمان آورده بود. اما او فاقد این نعمت دوم و توانمندسازی برای خدمت به خداوند بود زیرا به زبانها صحبت نکرده بود.

پولس می گوید که قرنطیان، نقل قول، همه توسط یک روح در یک بدن تعمید یافتند. اول قرنطیان ۱۲:۱۳. و بعداً در همان فصل می نویسد، نقل قول، آیا همه عطیه شفا دارند؟ آیا همه به زبانها صحبت می کنند؟ آیا همه ترجمه می کنند؟ آیه ۳۰، جایی که قید استفاده شده، قید منفی، حرف اضافه منفی، مستلزم پاسخ منفی است.

به عبارت دیگر، آیا همه به زبانها صحبت نمی کنند؟ نه، به وضوح توسط یونانی بیان شده است. همه تعمید روح را دریافت کرده بودند، اما همه هیچ یک از موهبت‌های معنوی، از جمله تکلم به زبانها را نداشتند. این بنا به تدبیر خداست، تا اعضای کلیسا به یکدیگر نیاز داشته باشند.

ما برخورد آنتونی هو اکما با برخی از موضوعاتی که مورد بحث قرار دادیم را قانع کننده می دانیم. هو اکما درک ترتیب رستگاری، را رد می کند. این ایده‌ای است که جنبه‌های مختلف، ordo salutis سنتی و اصلاح شده از کاربرد رستگاری، تولد دوباره، دعوت، تغییر مذهب، توجیه، فرزندخواندگی، تقدیس و استقامت را می توان همگی در یک «ترتیب منطقی» قرار داد.

جان فریم نشان داده است که این موضوع به دلیل معانی مختلف ترتیب در این فهرست، مشکل ساز است، تولد دوباره در یک ترتیب علی نسبت به بقیه قرار دارد، اما ایمان وسیله یا ابزار توجیه و فرزندخواندگی است، نه علت آنها. من می توانم به این بحث ادامه دهم.

سردرگمی وجود دارد. علاوه بر این، همانطور که - ordo salutis بنابراین، از نظر ترتیب - ترتیبها واقعاً در خواهیم دید، تقدیس اولیه، پیشرونده و نهایی است.

چطور می توانید آن را در یک فهرست از مراتب رستگاری در یک جا قرار دهید؟ شما آن را در سه جا قرار می دهید؟ من فکر نمی کنم. قاطی می شود. او می گوید، به جای اینکه عناصر کاربرد رستگاری را به ترتیب ببینیم، نباید به یک مراتب رستگاری با مراحل یا گام‌های متوالی فکر کنیم، بلکه باید به یک کار شگفت‌انگیز فیض خدا فکر کنیم، راهی برای رستگاری که در آن می توانیم جنبه‌های مختلف را از هم تشخیص دهیم.

علاوه بر این، اگرچه این جنبه‌های کاربرد نجات باید از هم متمایز شوند، اما تحت اتحاد با مسیح متحد می شوند. همه آنها زیرمجموعه‌های اتحاد هستند. وقتی خدا مردم را از نظر معنوی به پسرش پیوند می دهد، همه برکات نجات را به آنها عطا می کند.

کسی که به مسیح ایمان می آورد، از نو زاده می شود، زیرا وقتی به مسیح و به زندگی ایمان می آورید، اتحاد از ایمان به مسیح پیروی می کند. به فیض، از طریق ایمان، کسی به مسیح ایمان می آورد؛ او در آن لحظه دوباره متولد می شود، عادل اعلام می شود، به فرزند پذیرفته می شود، تغییر مذهب می دهد، روح القدس به او داده می شود و تقدیس مادام العمر را آغاز می کند. خداوند او را با استقامت تا انتها حفظ می کند.

این بحث پیامدهایی برای ارزیابی الهیات برکت دوم و سلیمانسم، الهیات کسویک و پنطیکاستی دارد. البته، آنها متفاوت هستند. این سه الهیات، نجات‌شناسی‌های دو مرحله‌ای، آموزه‌های دو مرحله‌ای نجات، مرحله اول

توجیه و به دنبال آن برکت دوم دارند، چه تقدیس کامل، و سلیمانسم، مواجهه با زندگی عمیق‌تر، الهیات کسویک، یا تعمید روح القدس، پنطیکاستی.

در واقع، همانطور که قبلاً گفتیم، پنطیکاستی‌های مقدس، یک رستگاری‌شناسی سه مرحله‌ای شامل توجیه تقدیس کامل و تعمید روح القدس دارند. هوکما این را در کتاب خود، نجات‌یافته به واسطه فیض، در صفحات ۱۹ تا ۱۵ به پایان می‌رساند. او نتیجه می‌گیرد که چرا باید این نوع رستگاری‌شناسی‌ها رد شوند؟ ما قبلاً دیده‌ایم ۱۵ که درک صحیح از فرآیند رستگاری، جنبه‌های مختلف آن فرآیند را همزمان و نه متوالی می‌بیند.

بنابراین، پیشرفت در زندگی مسیحی باید به عنوان رشد تدریجی و مداوم درک شود، نه برداشتن گام‌های خاص پس از گرویدن. هوکما مفهوم دیگری را با نتایج مضر می‌بیند. باید اضافه کنم که او یک مرد مسیحی مهربان بود که سایر مؤمنان را می‌پذیرفت.

من هنوز در کتاب «نجات یافته توسط فیض» به یاد دارم که در مورد کل تقدیس و سلیمان نوشت، که او آن را رد می‌کند، او می‌گوید، اما آنها حق دارند. ما به عنوان مؤمنان بیش از حد نفسانی هستیم. چه قلب زیبایی که او نیاز خود را برای رشد در فیض می‌پذیرد.

در اینجا سخنان محکمی از او، سخنان محکمی از مردی شیرین و مهربان آمده است، زیرا او یک متکلم است و احساس می‌کند که باید هشدار دهد. این نجات‌شناسی‌ها نشان می‌دهد که دو نوع یا سه نوع مسیحی وجود دارد. مسیحیان عادی، مسیحیان تقدیس شده و مسیحیان تعمید یافته.

با این حال، هیچ مبنای کتاب مقدسی برای چنین تمایزی وجود ندارد. علاوه بر این، به نظر می‌رسد چنین تقسیم‌بندی مسیحیان، راه را برای دو نگرش نادرست و مضر باز می‌کند: افسردگی از سوی کسانی که هنوز خود را در پایین‌ترین سطح زندگی مسیحی می‌دانند، و غرور از سوی کسانی که خود را به یکی از سطوح بالاتر می‌رسانند.

تونی هوکما قبل از رفتن به حوزه علمیه و تحصیل در خدمت مسیحیت و بعداً گرفتن مدرک دکترا، شاید در دانشگاه پرینستون، فراموش کرده‌ام، قبل از اینکه به تدریس دگماتیسم پردازد، که روش اصلاح‌شده بیان دیدگاه پرسبیتی است، مدرک کارشناسی ارشد روانشناسی گرفت. کلمه سیستماتیک پرسبیتی، در عرصه اصلاح‌شده، دگماتیسم نامیده می‌شود. او به مدت، نمی‌دانم، 30 سال در حوزه علمیه کالوین الهیات دگماتیک تدریس کرد.

تقدیس، ما به خود تقدیس می‌پردازیم و این بار به دلیل کمبود وقت، از مقدمه کتاب مقدسی صرف نظر می‌کنیم و مستقیماً به سراغ فرمول‌بندی‌های سیستماتیک می‌رویم. تقدیس و تثلیث. بنابراین، کاری که تاکنون انجام داده‌ایم، بررسی پنج دیدگاه در مورد زندگی مسیحی و ارزیابی آنها به عنوان مقدمه‌ای برای مطالعه واقعی الهیات سیستماتیک تفسیری تقدیس است.

تقدیس در تثلیث، تقدیس در اتحاد با مسیح، تقدیس در نقش ما، نقش ما، تقدیس در کلیسا، تقدیس در زمان، تقدیس و پیروزی‌ها و مبارزات، تقدیس، فرمول‌بندی‌های سیستماتیک، تقدیس و تثلیث. در واقع می‌دانید، بگذارید دوباره در ابتدای سخنرانی بعدی‌مان به این موضوع پردازیم. این نقطه شروع خوبی است، با نگاهی به آن دیدگاه‌ها در مورد زندگی مسیحی و ارزیابی‌هایی از آن.

دفعه‌ی بعد، به تقدیس و فرمول‌بندی‌های سیستماتیک خواهیم پرداخت.

این دکتر رابرت پترسون در حال تدریس در مورد نجات است. این جلسه ۱۶، تقدیس، بخش ۲، بازشناسی تاریخی است.